

## واکاوی تفاوت‌های عام و مطلق در اندیشه‌ی علمای اصول شیعه

محمد شهسواری<sup>۶</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

### چکیده

مقاله پیش رو با عنوان «واکاوی تفاوت عام و مطلق در اندیشه‌ی علمای اصول شیعه» با رویکرد توصیفی تحلیلی درصدد مقایسه معنایی میان لفظ عام و مطلق است. عام در مقابل خاص به معنای شمول و مطلق در مقابل مقید به معنای رهایی از هرگونه قید است. مشخص شدن تفاوت دقیق معنای عام و مطلق از مباحث مهم در علم اصول به شمار می‌رود که ثمرات فقهی بسیاری در استظهار از آیات و روایات بر آن مترتب است. نگارنده پس از بررسی اقوال در تفاوت عام و مطلق، نظر علامه و محقق حلی را تأیید کرده است. نظر مختار که با ذکر شواهدی از کلام قدما، علم اصول مورد تأیید قرار گرفته بر این شد که لفظ عام در اصول به همان معنای لغوی خود یعنی شمول به کار رفته و مطلق به معنای طبیعت شیء بوده که برابر با معنای متداول از مطلق در همه‌ی علوم است و معنای اصطلاحی خاصی در علم اصول ندارد، اما نتیجه‌ی مطلق بسته به قصد متکلم می‌تواند عموم بدلی، استغراقی و حتی تعیین باشد.

واژگان کلیدی: مطلق، مقید، عام، خاص، عموم بدلی، عموم استغراقی.

<sup>۱</sup> دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، مدرسه عالی فقهی الامام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)، [etrat135@gmail.com](mailto:etrat135@gmail.com).

## مقدمه

از آنجا که هدف از علم اصول بحث از قواعدی است که نتیجه آنها در استنباط احکام شرعی به کار می‌رود و از طرفی برای دسترسی به احکام شرعی راهی جز رجوع به آیات و روایات وجود ندارد؛ لذا یکی از مباحث مهم در فهم آیات و روایات مبحث الفاظ و ظهور ناشی از آنها است که از مسائل اصلی علم اصول به شمار می‌رود. به دست آمدن ظهور جملات در آیات و روایات مبتنی بر شناخت دقیق جزئیات آن است. از مهم‌ترین مواردی که در تعبیر آیات و روایات بسیار زیاد استفاده شده، الفاظ عام و مطلق هستند. به همین دلیل تفاوت میان لفظ عام و مطلق از مباحث مهمی است که محل معرکه‌ی آراء قرار گرفته است. لفظ عام در لغت به معنای شمول و در مقابل خاص به کار رفته است و لفظ مطلق در مقابل مقید به معنای رهایی از هر گونه قید است.

این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال است که تفاوت دقیق معنایی میان عام و مطلق چیست؟ تفاوت معنایی بین لفظ عام و مطلق مستقیماً در فهم دقیق آیات و روایات در باب احکام، اعتقادات و.. تأثیر گذار است و به همین دلیل در استنباط احکام شرعی به صورت مستقیم کاربرد جدی دارد.

برای دستیابی به تفاوت معنایی میان الفاظ عام و مطلق ابتدا باید تعاریف علما از این الفاظ را بررسی کرده و در نهایت به تعریف صحیح و تفاوت میان آنها رسید. از این رو این نوشتار ابتدا به سراغ کلام علما در کتب اصولی رفته و با توجه به پراکندگی نظرات و آراء در تعریف این الفاظ، چند دسته‌ی کلی از تعبیر علما در تعریف الفاظ عام و مطلق ارائه داده است. در ادامه وارد مقوله‌ی روایات شده و به جمع‌آوری روایاتی که دارای الفاظ (مطلق) و (عام) بودند پرداخته تا معنای این الفاظ در لسان شارع به دست بیاید. سپس هر کدام از اقوال در تعریف لفظ عام و مطلق مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت با ارائه نظر برگزیده به تفاوت صحیح میان عام و مطلق و تشریح آن پرداخته و نتیجه‌گیری می‌شود.

پوشیده نیست که روشن شدن زوایا و نتیجه گیری صحیح از این مسئله می تواند در استنباط احکام فقهی عبادی و معاملات، مسائل اعتقادی و بحث های حقوقی بسیار تأثیر گذار باشد.

این مسئله از مسائل پیشینه دار اصول فقه است. سیر تاریخی کاربرد الفاظ عام و مطلق به روایات بر می گردد که در روایات لفظ عام به صراحت و زیاد به کار رفته است؛ ولی لفظ مطلق به شکل بسیار محدود در روایات استفاده شده است. در مرحله بعد از روایات اگرچه بحث از عموم و اطلاق در اولین تألیفات اصولی مانند کتاب «مختصر التذکره» و «المقنعه» شیخ مفید وجود دارد؛ ولی این کتب بیشتر به احکام و فروع این الفاظ پرداخته و در باب تعاریف آنها وارد نشده اند. اولین کسی از اصولیون که در کتاب خود از مطلق یاد کرده و در عداد لفظ عام به صورت مستقل به آن پرداخته سید مرتضی در «الذریعه» است.

### ۱- تعاریف لغوی و اصطلاحی

هر کدام از الفاظ عام و مطلق دارای معنای لغوی خاصی هستند که به آنها اشاره می شود.

#### تعریف عام

عام در لغت و اصطلاح چنین معنا شده است:

#### تعریف لغوی لفظ عام

در کتاب العین نوشته ی خلیل ابن احمد فراهیدی که اولین کتاب لغت جمع آوری شده است لفظ عام را به معنای شمول گرفته است (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۴). نویسنده ی کتاب مصباح المنیر همین معنا را برای لفظ عام قائل شده است (فیومی، مصباح المنیر ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۲۳).

#### ۲-۱-۱- تعریف اصطلاحی لفظ عام

علمای اصول از لفظ عام چند نمونه تعریف ارائه داده اند.

شیخ مفید متوفی ۴۱۳ هجری و سید مرتضی متوفی ۴۳۶ هجری که از اولین مؤلفین علم اصول بوده‌اند لفظ عام را لفظی دانسته‌اند که افاده‌ی دو و بیشتر از آن را دارا باشد (مفید، مختصر التذکره، ۱۴۱۳ق: ص ۳۳ و علم الهدی، الذریعه، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ص ۱۹۷).

برخی از فقها مانند شیخ طوسی متوفی ۴۶۰ در کتاب العده عام را لفظی دانسته‌اند که شامل همه‌ی موارد دارای صلاحیت در آن معنا شود (طوسی، العده ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۷۱).

علامه‌ی حلی، میرزای قمی و شیخ انصاری نیز لفظ عام را با کمی تفاوت در تعبیر به همان معنا گرفته‌اند (علامه حلی، مبادی الوصول، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۷ و انصاری، مطارح الانظار، ۱۳۸۳ش: ج ۲، ص ۱۳۱ و میرزای قمی، قوانین الاصول، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ص ۱۹۲).

شهید ثانی متوفی ۹۵۵ هجری در کتاب تمهید القواعد عام را همان ماهیت می‌داند البته به شرط کثرتی که دارای شمول باشد (عاملی شهید ثانی، تمهید القواعد ۱۴۱۶ق: ص ۲۲۲).

از نگاه علمای متأخر مانند آخوند، نایینی و بروجردی لفظ عام به شمول مفهوم برای همه‌ی آن چه که صلاحیت انطباق بر آن را دارد، تعریف شده است (نایینی، فوائد الاصول ۱۳۷۶ق: ج ۲، ص ۵۱۱ و بروجردی، لمحات الاصول ۱۴۲۱ق: ص ۳۰۳).

عده‌ای از علما مثل آقای خویی عام را به همان معنای لغوی خود یعنی شمول گرفته‌اند و معنای اصطلاحی خاصی برای آن قائل نیستند (خویی، محاضرات فی اصول الفقه ۱۴۲۲ق: ج ۴، ص ۲۹۹).

## ۲-۱- تعریف مطلق

مطلق در لغت و اصطلاح، چنین معنا شده است:

### ۱-۲-۱- تعریف لغوی مطلق

در کتاب جمهره اللغة که از کتب اصیل و قدیمی لغت و تالیف سال ۱۷۵ هجری است، لفظ مطلق به معنای رهایی از قید معنا شده است. همچنین ابن منظور در کتاب لسان العرب همین معنا را تأیید کرده است (ابن منظور، لسان العرب ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ص ۳۲۰ و الازدی البصری، جمهره اللغة ۱۹۸۷م: ج ۲، ص ۹۲۲).

## ۲-۲-۱- تعریف اصطلاحی لفظ مطلق

به طور کلی علمای اصول چند دسته تعریف از لفظ مطلق ارائه داده‌اند.

محقق حلی متوفی ۶۷۶ هجری و شهید ثانی لفظ مطلق را همان چیزی که بر ماهیت دلالت می‌کند، دانسته‌اند (محقق حلی، معارج الاصول ۱۴۲۳ ق: ص ۱۳۴ و عاملی شهید ثانی، تمهید القواعد ۱۴۱۶ ق: ص ۲۲۲).

علامه‌ی حلی متوفی ۷۲۶ هجری در مبادی الوصول مطلق را لفظی دانسته که بر صرف حقیقت دلالت دارد بدون آن که هیچ دلالتی بر قیدی داشته باشد (علامه حلی، تهذیب الوصول ۱۴۰۴ ق: ص ۱۲۵).

دسته‌ای از علما مانند صاحب فصول، شیخ انصاری، میرزای قمی و آخوند مطلق را چیزی (لفظی) که بر معنای شایع در جنس خود دلالت دارد، تعریف کرده‌اند که به تعریف مشهور از لفظ مطلق تبدیل شده است (حائری اصفهانی، الفصول الغریبه، ۱۴۰۴ق: ص ۲۱۸ و میرزای قمی، قوانین الاصول، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ص ۳۲۱ و انصاری، مطارح الاظفار ۱۳۸۳ ش: ج ۲، ص ۲۳۹ و آخوند خراسانی، کفایه الاصول ۱۴۰۹ق: ص ۲۴۱).

عده‌ای از متأخرین مانند نائینی و خویی قائل هستند که اطلاق در اصول به همان معنای لغوی خود یعنی ارسال به کار رفته است و معنای اصطلاحی خاصی ندارد (نائینی، فوائد الاصول ۱۳۷۶ ق: ج ۲، ص ۵۶۲ و خویی، محاضرات فی اصول الفقه ۱۴۲۲ق: ج ۴، ص ۵۱۰).

مرحوم بروجردی چنانچه لفظی بدون هیچ قیدی موضوع برای حکمی واقع شده باشد، مطلق و اگر با اضافه شدن قیدی موضوع حکم واقع شده باشد، آن را مقید می‌دانند (بروجردی، لمحات الاصول ۱۴۲۱ ق: ص ۳۷۴).

## ۲- الفاظ عام و مطلق در روایات

از آن جا که هدف از رسیدن به تفاوت معنای لفظ عام و مطلق، فهم صحیح آیات و روایات است، باید نحوه‌ی استفاده‌ی خود معصومین علیهم سلام از این الفاظ در روایات مشخص شود.

کلمه‌ی (عام) در روایات به صورت گسترده به کار رفته است و ظاهراً در همان معنای لغوی خود یعنی شمول استفاده شده است. در مقابل لفظ (مطلق) در روایات بسیار محدود استفاده شده و نوعاً در معنای لغوی خودش به کار رفته است. در بررسی صورت گرفته مشخص شد که تنها در یک مورد از روایات احتمال دارد که از لفظ مطلق به معنای اصلاحی علم اصول استفاده شده باشد.

### ۲-۱- روایات عام

روایاتی که لفظ عام در آنها به کار رفته بسیار هستند و در اینجا به ذکر دو مورد به عنوان شاهد مدعا بسنده می‌شود.

«قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ سَلَامٌ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْجِبُ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعاً فَقَالَ لَا فَقِيلَ وَ لِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالَمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعْفَةِ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلَ إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍ» (کلینی، الکافی ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۵۹)

۵۹۹ راوی می‌گوید شنیدم که از حضرت امام صادق علیه سلام از امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد که آیا بر همه‌ی امت واجب است؟

حضرت در پاسخ فرمودند: خیر، پس از دلیل آن سؤال شد و حضرت فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر تنها بر کسانی که در {امر دینی} قوی و مطیع و تشخیص دهنده‌ی معروف از منکر هستند، واجب است؛ نه بر افراد ضعیفی که راه را به درستی تشخیص نمی‌دهند و حق را به جای باطل می‌گویند. دلیل بر این مطلب گفتار خداوند در کتاب قرآن است که فرموده «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران ۱۰۴) که این تعبیر خاص است و افاده‌ی عموم نمی‌کند.

«قَالَ {علی علیه سلام}:... فَإِنَّ أَمْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلُ الْقُرْآنِ نَاسِخٌ وَمَنْسُوخٌ وَخَاصٌّ وَعَامٌّ وَمُحْكَمٌ وَمُتَشَابِهٌ قَدْ كَانَ يَكُونُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صِ الْكَلَامُ لَهُ وَجِهَانِ كَلَامٍ عَامٍّ وَ كَلَامٍ خَاصٍّ مِثْلَ الْقُرْآنِ... الْحَدِيثُ» (کلینی، الکافی ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۶۳).

حضرت علی علیه السلام در ضمن روایت مفصلی می‌فرمایند: همانا فرمایشات پیامبر صلی الله علیه وآله مانند قرآن دارای ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه است و گاهی اوقات پیامبر کلامی دارند که مانند قرآن دو وجه عام و خاص دارد...

## ۲-۲- روایات مطلق

مواردی که احتمال دارد لفظ مطلق در آن روایات به معنای اصطلاحی علم اصول به کار رفته باشد تنها به یک مورد خلاصه می‌شود.

«قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ سَلَامٌ وَقَدْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ الْجِدَالَ فِي الدِّينِ، وَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَالْأُمَّةَ عَلَيْهِمْ سَلَامٌ قَدْ نَهَوْا عَنْهُ - فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ سَلَامٌ: لَمْ يَنْهَ عَنْهُ مُطْلَقًا، وَلَكِنَّهُ نَهَى عَنِ الْجِدَالِ بِغَيْرِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (حسن ابن علی العسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب الی الامام حسن عسکری ۱۴۰۹ ق: ص ۵۲۷).

در روایتی از امام صادق علیه سلام نقل شده درحالی که در محضر حضرت در مورد جدال در دین و این که رسول خدا و سایر ائمه علیهم سلام از آن نهی کردند صحبت می‌کردیم، حضرت فرمودند: از آن به صورت مطلق نهی نشده؛ ولی از جدال به صورت غیر نیکو نهی شده است.

جمع‌بندی بخش دوم: همان‌طور که اشاره شد لفظ مطلق در لسان روایات بسیار محدود استفاده شده ولی در مقابل استفاده از لفظ عام و خاص در روایات بسیار فراوان به کار رفته و کاملاً مشهود و واضح است.

علاوه بر آن تنها در یک روایت احتمال دارد که لفظ مطلق در معنای اصطلاحی علم اصول به کار رفته باشد که فارغ از بحث سندی آن باز هم می‌توان این لفظ را در این روایت طبق معنای لغوی از لفظ مطلق معنا کرد.

### ۳- نقد و بررسی تعاریف علما

#### ۳-۱- بررسی اقوال علما در تعریف لفظ عام

همان‌طور که از ذکر اقوال در تعریف لفظ عام مشخص است چند دسته تعریف از لفظ عام توسط علمای علم اصول ارائه شده، اما ظاهراً همه این تعاریف تعریف‌های شرح الاسمی بوده و از نوع اختلاف در تعبیر است که با اندکی تفاوت همه‌ی آن‌ها قابلیت تطبیق بر یکدیگر را دارند.

از طرفی شاهد دیگر بر مدعا این است که هیچ‌کدام از علمای مشهور و غیر آن‌ها در کتب خود به تعریف لفظ عام اشکال نکرده و متعرض آن نشده‌اند؛ ولی در مقابل بسیاری از علما در باب تعریف مطلق و مقید به سایر تعاریف پرداخته و آن‌ها را رد یا اثبات کرده‌اند. این مطلب خود نشان‌دهنده این است که تعریف لفظ عام و معنای آن به‌عنوان یک ارتکاز در ذهن علما وجود داشته و ضرورتی در تعریف دقیق این لفظ و دقت عقلی در آن نمی‌دیدند. علاوه بر آن شیخ طوسی در کتاب العده به این نکته متذکر می‌شود که تقیید هم مطلق را قید می‌زند و هم عامی که مطلق نیست را قید می‌زند (طوسی، العده ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۱).

همان‌طور که از عبارت به دست می‌آید و با توجه به اینکه ایشان و حتی علمای قبل ایشان مثل سید مرتضی و شیخ مفید در کتب خود تعریفی از مطلق ارائه نداده‌اند، به خوبی می‌توان فهمید تعاریفی که از مطلق و مقید یا عام و خاص به‌صورت عقلی و فلسفی و سپس

نقض و ابرامات بسیاری که در برخی کتب آمده در نظر قدمای علم اصول و فقه وجود نداشته و گویا لفظ مطلق در نظر ایشان همان معنای عرفی و معمول در همه‌ی علوم را دارا است.

## ۲-۳- بررسی اقوال علما در تعریف لفظ مطلق

در این قسمت لازم است تعریف مشهور و تعاریف غیرمشهور به تفکیک مورد بررسی قرار گیرند.

### ۱-۲-۳ بررسی نظر مشهور در تعریف مطلق

علمای اصول به این تعبیر از مطلق اشکالات بسیاری وارد کرده‌اند که برخی از آنها ذکر می‌شود.

اولین اشکال بر تعریف مشهور این است که در عبارت «شایع فی جنسه» به معنای (شیوع داشتن لفظ مطلق بر همه‌ی افراد در جنس خود) که در تعریف مشهور علما بر مطلق ذکر شده این عبارت تنها بر کلیات انطباق پیدا می‌کند، و تفاوتی ندارد که محدوده‌ی آن کلی چقدر باشد.

لذا نمی‌توان مسئله‌ی مطلق و مقید را در جزئیات مطرح کرد. این در حالی است که علمای اصول، گاهی اوقات مسئله مطلق و مقید را در جزئیات نیز مطرح کرده‌اند که یکی از آن موارد، بحث واجب مطلق و واجب مشروط است.

در تعریف مشهور که لفظ مطلق را به لفظی که دلالت بر شیوع در جنسش دارد، معنا کرده‌اند، می‌توان نقض دیگری وارد کرد که این تعریف شامل اعلام شخصیه نمی‌شود و این در حالی است که به شهادت علمای اصول اطلاق در علم‌های شخصی به صورت مطلق زمانی یا احوالی کاربرد دارد و می‌توان در اعلام شخصیه مثل زید عنوان مطلق را به کار برد. مراد از جنس در تعریف مشهور از مطلق واضح نیست چرا که جنس هم معنای منطقی دارد و هم معنای نحوی دارد و هم می‌تواند هم معنای سنخ باشد.

در تعریف مشهور از مطلق آمده که (ما دل علی معنا شایع) یعنی لفظی که دلالت می‌کند بر معنای شایع و ظاهر این عبارت این است که اطلاق قید و صفت برای لفظ قرار

گرفته در حالی که در نظر دقیق‌تر اطلاق قید معناست، همان گونه که در ادامه‌ی تعریف گفته شده (معنا شایع فی جنسه) یعنی معنایی که در جنس خودش شیوع دارد.

### ۲-۲-۳: بررسی نظریه‌ی مرحوم بروجردی

نتیجه فرمایش مرحوم بروجردی این است که لفظ تنها زمانی متصف به اطلاق یا تقييد می‌شود که حکمی بر آن حمل شود و در واقع اطلاق صفت حمل حکم بر موضوع است.

از طرفی در جملاتی که انشائی نبوده و اخباری هستند، مثلاً وقتی شخصی می‌گوید: «جاء رجل»، در این نوع از جملات هیچ حکمی وجود ندارد؛ و طبق فرمایش ایشان این نوع از جملات فاقد قابلیت اطلاق و تقييد هستند در حالی که مشهود است این ادعا نمی‌تواند صحیح باشد و اطلاق در همین نوع از جملات هم وجود دارد.

### ۳-۲-۳: بررسی نظریه آقای نایینی و خویی

اگر منظور از معنای لغوی همان معنای ارسال و رها شده باشد به شهادت وجدان مشخص است که تعبیر مطلق در اصول به این معنا به کار نرفته؛ اما اگر منظور از معنای لغوی، معنای عرفی و متداول آن در همه‌ی علوم است این کلام صحیح است.

### ۴-۲-۳: بررسی نظریه علامه حلی و محقق

اگر چه ظاهر عبارت محقق حلی با جناب علامه تفاوت دارد؛ ولی از لحاظ معنایی هر دو عبارت یک مطلب را بیان می‌کند و آن مطلب این است که لفظ مطلق در اصطلاح اصول تنها بر طبیعت و ماهیت شیء دلالت می‌کند بدون در نظر گرفتن هیچ قید دیگری. همان گونه که از تعریف مشخص است در اینجا مطلق به معنای لغوی خودش نیست؛ بلکه در معنای عرفی خود یعنی همان معنای متداول مطلق در همه‌ی علوم به کار رفته است.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی تفاوت معنایی بین عام و مطلق صورت گرفت. در بررسی اقوال در معنای عام و مطلق این نتیجه به دست آمد که لفظ مطلق در اصول نه در

معنای لغوی خود و نه به معنای اصطلاحی خاص، بلکه در معنای عرفی خود یعنی صرف طبیعت به کار رفته که همان معنای متداول از مطلق در همه‌ی علوم است. لفظ عام هم همان گونه که از تعابیر علما به دست آمد دلالت بر شمول بر افراد و مصادیق می‌کند.

بنابراین تفاوت میان لفظ عام و مطلق این است که عام مستقیماً دلالت بر شمول بر افراد دارد؛ ولی مطلق صرفاً دلالت بر طبیعت کرده و مستقیماً هیچ اشاره‌ای به شمول ندارد، اگر چه در نتیجه می‌تواند معنای آن شمول همه‌ی افراد و مصادیق باشد؛ در نهایت نتیجه‌ی اطلاق بسته به قصد متکلم هم می‌تواند عموم بدلی باشد و هم عموم استغراقی و حتی گاهی نتیجه‌ی اطلاق می‌تواند تعیین باشد. به‌عنوان مثال همان‌طور که روشن است در امر (اعتق رقبه) نتیجه‌ی اطلاق (رقبه) عموم بدلی است، به این معنا که مخاطب مختار است یک بنده از هر نوع آن را که می‌خواهد آزاد کند، اما در جایی که مولا به صورت مطلق از شیء نهی کرده باشد مانند (لا تشرب الخمر)، نتیجه‌ی این اطلاق عموم استغراقی است که دربرگیرنده‌ی ترک همه‌ی موارد منهی می‌شود.

با این وجود نتیجه‌ی لفظ مطلق در مواردی می‌تواند، یک شیء متعین باشد و آن از قصد متکلم به دست می‌آید به‌عنوان مثال در عبارت (رایت احدا) اگرچه لفظ (احدا) به صورت مطلق استعمال شده ولی یقیناً در معنای عموم به کار نرفته و مسلماً مقصود متکلم این نیست که همه را دیده، بلکه قصد متکلم یک شخص معین است؛ بنابراین گاهی اوقات نتیجه‌ی اطلاق می‌تواند حتی تعیین باشد.

کلام برخی از علمای اصول در بحث دلالت صیغه‌ی امر بر وجوب عینی تعینی، صحت این سخن را تأیید می‌کند؛ چرا که از نظر ایشان اطلاق صیغه‌ی امر موجب دلالت آن بر وجوب عینی تعینی می‌گردد (مظفر، اصول الفقه ۱۳۷۵ ش: ج ۱، ص ۷۶).

نکته‌ی دیگری که در مقام تفاوت بین عام و خاص به دست می‌آید، این است که مطلق همواره ناظر به احوال است؛ اما در مقابل عام تنها ناظر به افراد است و توجه به این نکته در جای خود موجب تأثیرات فراوانی در استنباط احکام است.

## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، ج ۱۰، چ ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق
۲. الازدی البصری، ابوبکر محمد ابن حسن، «جمهره اللغه»، چ ۱، بیروت، لبنان، ۱۹۸۷ م
۳. انصاری، مرتضی ابن محمد امین، «مطرح النظار»، ج ۲، چ ۲، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ۱۳۸۳ ش
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، «کفایه الاصول»، چ ۱، موسسه آل البيت عليهم سلام، قم، ۱۴۰۹ ق
۵. بروجردی، حسین، «لمحات الاصول»، چ ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، ۱۴۲۱ ق
۶. حائری اصفهانی، محمد حسین ابن عبدالرحیم، «الفصول الغرویه فی الاصول الفقهی»، چ ۱، دار احیاء العلوم الاسلامیه، قم، ۱۴۰۴ ق
۷. حلّی، جعفر ابن حسن محقق، «معارج الاصول»، چ ۱، موسسه امام علی علیه السلام، لندن، ۱۴۲۳ ق
۸. حلّی، حسن ابن یوسف، «تهذیب الوصول الی العلم الاصول»، چ ۱، موسسه الامام علی علیه سلام، لندن، ۱۳۸۰ ش
۹. حلّی، حسن بن یوسف، «مبادئ الوصول الی العلم الاصول»، چ ۱، المطبعه العلمیه، قم، ۱۴۰۴ ق
۱۰. خویی ابو القاسم، «محاضرات فی اصول الفقه»، ج ۴، چ ۱، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی قدس سره، قم، ۱۴۲۲ ق

۱۱. طوسی، محمد ابن حسن، «العهده فی اصول الفقه»، ج ۱، چ ۱، محمد تقی  
علاقبندیان، قم، ۱۴۱۷ ق
۱۲. عاملی شهید ثانی، زین الدین ابن علی، «تمهید القواعد الاصولیه و العربیه  
لتفریع قواعد الأحکام الشرعیة»، تحقیق عباس تبریزیان و سید جواد  
حسینی و عبد الحکیم ضیاء و محمد رضا ذاکریان، چ ۱، انتشارات دفتر  
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶ ق
۱۳. علم الهدی، علی ابن حسین، «الذریعه الی الاصول الشرعیة»، ج ۱، چ ۱،  
دانشگاه تهران. موسسه انتشارات تهران، ۱۳۷۶ ش
۱۴. فراهیدی، خلیل ابن احمد، «کتاب العین»، چ ۲، مؤسسه دار الهجرة، قم،  
۱۴۰۹ ق
۱۵. فیومی، احمد بن محمد، «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، ج ۱،  
چ ۲، مؤسسه دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ ق
۱۶. کلینی، محمد ابن یعقوب، «الکافی»، ج ۵، چ ۴، دار الکتب الاسلامیه،  
تهران، ۱۴۰۷ ق
۱۷. مظفر، محمدرضا، «اصول الفقه»، ج ۱، چ ۵، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۵ ش
۱۸. مفید، محمد ابن محمد، «مختصر التذکره باصول الفقه»، چ ۱، کنگره شیخ  
مفید، قم، ۱۴۱۳ ق
۱۹. منسوب به عسکری، حسن ابن علی علیه السلام، «التفسیر المنسوب الی  
الامام حسن عسکری»، چ ۱، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه  
الشریف، قم، ۱۴۰۹ ق
۲۰. میرزای قمی، ابی القاسم ابن محمد حسن، «قوانین الاصول»، ج ۱، چ ۲،  
مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۸ ق

۲۱. نایینی، محمدحسین، «فوائد الاصول»، ج ۱، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۶ ق.